



کارگزاران رم‌پول است که اگر آنها را در حکم ابزاری برای خفه کردن نوآوری و رقابت‌پذیری بدانیم، بیراه نگفته‌ایم. این از بدیهیات است که در عصر پلتفرم‌های غیرمتمرکز، قیود سلبی نه‌تنها موجب هدایت کاربران به‌سمت بازارهای خارجی و به‌حاشیه‌رفتن سهم بازار و کسب‌وکارهای داخلی می‌شود، بلکه عملاً‌سیگنال ضدتوسعه‌ای می‌دهد و نتیجه‌اش عقب‌ماندگی و لوٲ و بی‌معناشدن مفاهیمی مانند شفافیت، نظارت و رگولاتوری است.

ایراد دیگری که می‌توان به دستورالعمل بانک مرکزی وارد کرد، این است که در ظاهر جانب‌بخش رسمی و شفاف بازار را می‌گیرد، اما در واقعیت بستر فعالیت‌بخش‌های خاکستری و غیررسمی بازار را گسترش می‌دهد؛ بخش‌هایی که تمایل به انجام تراکنش‌های مالی سنگین، غیرشفاف و گاه غیررسمی دارند و اگر راهی هم بیابند، بی‌میل نیستند که از نظارت دقیق فرار کنند. بنابراین می‌توان گفت، دستورالعمل فعلی به شکل‌گیری و رشد حلقه‌های کم‌نظارت و فعالیت‌های پرریسک دامن می‌زند و به هدف اولیه مدیریت‌ریسک و تضمین امنیت دارایی‌ها، خدشه‌وارد می‌کند.

▼ ریسک مضاعف تحریم

یکی از پیامدهای به‌شدت مهم و نگران‌کننده دستورالعمل کارگزاران رم‌پول، ریسک مواجهه بخش خصوصی با تحریم‌های ثانویه است. توضیح اینکه، بانک مرکزی از پنج‌سال پیش از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا تحریم است و براساس قواعد بین‌المللی تحریم، هر نهادهی که به‌صورت رسمی و تحت مجوز یک نهاد تحریمی فعالیت کند، ممکن است به‌عنوان شریک وابسته شناسایی شود. صدور مجوز رسمی بانک مرکزی برای کارگزاران رم‌پول، در ظاهر اقدامی در جهت قانونی‌سازی فعالیت‌های آنهاست، اما در واقعیت ریسک مسدودی حساب‌های بین‌المللی، لغو دسترسی به خدمات پرداخت جهانی و محدودیت تعاملات مالی بین‌المللی کسب‌وکارها را به‌شدت بالا می‌برد.

از منظر سیاست‌گذاری، این اقدام شبکه‌های مالی ایران را بیش ازپیش از بستر جهانی جدا می‌کند و کاربران را مجبور می‌کند تا به سیستم‌های غیررسمی و محدود داخلی متکی شوند؛ سیستم‌هایی که حلقه مفقوده مهمی به‌نام شفافیت دارند و امکان توسعه و رقابت بین‌المللی در آنها بسیار اندک است. به‌عبارتی دیگر، چنین مجوزهایی به‌جای تسهیل رشد صنعت، محدودیت‌ها و ریسک‌های جدیدی بر فعالان نوآور و بازار داخلی تحمیل می‌کند و توانایی آنها را برای ادغام با جریان‌های مالی جهانی به‌شدت کاهش می‌دهد.

▼ بازگشت به مسیر با کمینه راهبردی اقتصاد دیجیتال

دستورالعمل کارگزاران رم‌پول اگرچه در ظاهر جامه تنظیم‌گری به تن دارد، در باطن یک سند ضدتوسعه‌ای است که انحصارطلبی سنتی بانک مرکزی را تشدید می‌کند. سندی که از یک طرف محصول غیبت بخش خصوصی و بی‌توجهی به تجارب موفق جهانی در حوزه فین‌تک است و بر مدل سیاست‌گذاری تک‌صدایی و اقتدارگرایانه‌ای اصرار می‌ورزد که کارشناسان آن را عامل اصلی بحران در سال‌های آتی می‌دانند. گرچه بانک مرکزی تمام‌نهادهای فعال حوزه رم‌پول را موظف کرده ظرف مدت سه‌ماه پس از ابلاغ، برای انطباق خود با ضوابط جدید گرفتن مجوز فعالیت حرفه‌ای اقدام کنند، اما نمی‌توان از تضادهای بنیادینی که دستورالعمل در آن غرق‌شده، گذشت.

زمان آن فرا رسیده است که بانک مرکزی از رویکرد اقتدارگرایانه فاصله بگیرد و با تعلیق دستورالعمل، به‌سرعت به‌سمت تشکیل یک شورای عالی تنظیم‌گری رمزارزها با حضور نهادهایی مانند سازمان بورس، وزارت اقتصاد، وزارت ارتباطات و نمایندگان بخش خصوصی حرکت کند. تنها با ایجاد یک نظام پاسخگویی شفاف و تفکیک صلاحیت‌های قانونی است که می‌توان هم‌زمان، هم از مصرف‌کننده حمایت کرد، هم فضای نوآوری را باز نگه داشت. تدوین یک قانون جامع دارایی‌های دیجیتال با مشارکت جمعی نهادهای ذی‌ربط نیز ضرورت دوم است. تا زمانی که این گذار به الگوی چندنهادی رخ ندهد، هر فرامی‌ان از سوی نهادهای سنتی، تنها به لنگر توسعه تبدیل خواهد شد.

حتی تصمیم‌های سیاست‌گذارانه همچون فریز دارایی را به کسب‌وکارها تحمیل می‌کند و آنها باید مستقیماً از جیب خودشان خسارت‌ها را جبران کنند. از لحاظ منطقی این یعنی میان میزان مداخله بانک مرکزی و مسئولیت‌پذیری آن هیچ تناسبی وجود ندارد. چنین رفتاری از سوی یک نهاد بالادستی و تعیین‌کننده نه‌تنها در حوزه فناوری‌های مالی بی‌سابقه است، که به‌منزله تلاشی برای سلب کامل مسئولیت از خود در مقام نهاد ناظر فهم می‌شود. از وجهی دیگر، در دستورالعمل بانک مرکزی هیچ ردی از دوراندیشی نهادهی و تدبیر نظارتی دیده نمی‌شود. برای نمونه درحالی‌که تجميع دارایی‌ها در یک مرکز واحد، ریسک‌های سیستمی مربوط به امنیت کاربران را افزایش می‌دهد و زمینه‌ساز شکل‌گیری کانال‌های تازه‌ای برای دریافت کارمزد و امتیاز اقتصادی می‌شود، بانک مرکزی با گنجاندن مفهوم مبهم «نهاد امین» در دستورالعمل، گویی به‌دنبال خلق خودخوaste و عمدی منبع تازه‌ای از رانت است.

پرواضح است در ساختار تنظیم‌گری مبتنی بر کنترل‌گری و محدودیت، بازیگری که دست بالا را دارد، مایل به حذف کامل ریسک از چرخه است. کاری که بانک مرکزی انجام می‌دهد، همین است و دست آخر به تهدیدی برای توسعه صنعت رم‌سراز داخلی بدل می‌شود؛ زیرا محدودیت‌های سنگین و مسئولیت‌های نامتناسب، فعالان کسب‌وکارهای فین‌تکی نوآور به‌خصوص حوزه رمزارزها را به‌سمت بسترهای غیررسمی و حتی رقبای خارجی سوق می‌دهد و فرصت‌های رشد پایدار و شفافیت را کاهش می‌دهد.

▼ ورود رقبای ناخوانده به میدان

یکی از نکات مهم در نقد و بررسی «دستورالعمل کارگزاران رم‌سراز» بانک مرکزی، نوع رویکرد این نهاد در قبال کسب‌وکارهای رم‌سازی است؛ رویکردی که به‌جای تسهیل‌گری و ریل‌گذاری برای توسعه این صنعت نوپا، بیشتر نقش بازدارنده و محدودکننده را ایفا می‌کند. در میان مفاد این دستورالعمل، برخی مواد مانند الزامات مربوط به سرمایه‌ی‌ثبتی، چنان غیرمنطقی و تأمل‌برانگیزاند که گویی تدوین‌کنندگان آن از واقعیت‌های بازار داخلی بی‌اطلاع‌اند یا اندکی از تجارب و الگوهای جهانی شناختی ندارند.

در شرایطی که انتظار می‌رود بانک مرکزی با اتخاذ سیاستی باز و حمایتگر، مسیر ورود فعالان بخش خصوصی به عرصه روبه‌رشد رمراز را هموار کند، این نهاد عملاً در جایگاه عامل فشار ظاهر شده و هزینه‌های سنگینی را بر دوش کسب‌وکارها می‌گذارد. این رویکرد، در بلندمدت، دو پیامد جدی به‌همراه خواهد داشت: نخست، خروج بخشی از فعالان داخلی از چارچوب رسمی و نظارتی کشور و مهاجرت آن‌ها به فضاهای غیررگوله و غیرقابل‌کنترل و دوم، واگذاری بخشی از بازار به رقبای خارجی که نه‌تنها از نظارت و تنظیم‌گری داخلی تبعیت نمی‌کنند، بلکه به‌دلیل نبود محدودیت‌های مشابه، از مزیت رقابتی بیشتری برخوردار می‌شوند. دراین‌میان تفاوت ماهوی میان بازار رمراز و سایر خدمات مالی یا دیجیتال داخلی نیز نباید نادیده گرفته شود. رمزارزها به‌واسطه ماهیت جهانی و مرزناپذیر خود، گزینه‌های جایگزین زیادی دارند و کاربران نیز می‌توانند بدون نیاز به مجوزهای داخلی به آن‌ها دسترسی داشته باشند. ازاین‌رو، هر چه هزینه دریافت مجوز و ورود به فعالیت رسمی در کشور افزایش یابد، انگیزه حضور در بازار شفاف داخلی کاهش یافته و زمینه خروج سرمایه، دانش و نوآوری به خارج از کشور فراهم می‌شود.

به‌بیان دیگر، سختگیری‌های مقرراتی بیش از اندازه نه‌تنها تضمینی برای امنیت و سلامت بازار نیست، بلکه درعمل به تضعیف رقابت‌پذیری داخلی، فرار استعدادها و عقب‌ماندن از روند جهانی این صنعت می‌انجامد؛ روندی که آینده اقتصاد دیجیتال کشور را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

▼ ظاهر شفافیت است و باطن محدودیت

منع معاملات اهرمی و سقف خرید، دو نمونه عینی دیگر از رویکرد محدودیت‌زای بانک مرکزی در دستورالعمل

دستورالعمل کارگزاران

رم‌پول اگرچه در ظاهر جامه تنظیم‌گری به تن دارد، در باطن یک سند ضدتوسعه‌ای است که انحصارطلبی سنتی بانک مرکزی را تشدید می‌کند.

سندی که از یک طرف محصول غیبت

بخش خصوصی و

بی‌توجهی به تجارب

موفق جهانی در حوزه

فین‌تک است و بر

مدل سیاست‌گذاری

تک‌صدایی و

اقتدارگرایانه‌ای

اصرار می‌ورزد که

کارشناسان آن را

عامل اصلی بحران

در سال‌های آتی

می‌دانند. گرچه بانک

مرکزی تمام‌نهادهای

فعال حوزه رم‌پول

را موظف کرده

ظرف مدت سه‌ماه

پس از ابلاغ، برای

انطباق خود با ضوابط

جدید گرفتن مجوز

فعالیت حرفه‌ای اقدام

کنند، اما نمی‌توان از

تضادهای بنیادینی که

دستورالعمل در آن

غرق‌شده، گذشت

گرفتن تأییدیه بانک مرکزی است. همچنین گفته شده، اجازه‌نامه تاسیس و مجوز فعالیت قابل انتقال به غیر نیست.

▼ سندی محافظه‌کارانه و سختگیرانه

دستورالعمل تاسیس، فعالیت، انحلال و نظارت بر کارگزاران رم‌پول را می‌توان نقشه راه نظارتی قدرتمند، اما به‌شدت محافظه‌کارانه بانک مرکزی توصیف کرد که به مکانیزم‌های مالی سنگین، اهرم‌های حقوقی خاص و فیلترهای سختگیرانه متکی است. تلاشی برای انتقال فعالیت پرریسک رم‌پول از فضای غیرمتمرکز و پراپهام به قلمرو کنترل‌پذیر. برخلاف ادعای بانک مرکزی که گفته در پی آماده‌ساختن بسترها برای «توسعه کنترل‌شده فناوری‌های نوین مالی در کشور» است، به این دستورالعمل نیز نقدهای جدی وارد است.

نخست اینکه، از نظر حقوقی ایرادهای حقوقی بنیادینی به دستورالعمل وارد است که مشروعیت آن را زیر سوال می‌برد. مطابق بند «ز» ماده یک قانون بانک مرکزی مصوب سال ۱۴۰۲، این نهاد صلاحیت نظارتی‌اش صرفاً و منحصرأ محدود به رم‌پول است. مطابق تعریف، رم‌پول، پول رقومی متمرکز یا متناظر با پول ملی است. باین‌حال در دستورالعمل مصوب بانک مرکزی، این نهاد با تعمیم صلاحیت‌ها و اختیارات خود به حوزه تنظیم‌گری رم‌رازها، دارایی‌های رم‌زینه خصوصی و غیرمتمرکز را نیز در حیطه اختیارات خود قرار داده که مغایر با قانون است.

این توسعه خودسرانه و غیرقانونی صلاحیت، در ادبیات حقوق اداری، مصداق بارز عدول از حدود صلاحیت مصرح است. یعنی وضعیتی که در آن یک نهاد به‌صورت غیرقانونی و برخلاف نص صریح قانون، صلاحیت و اختیارات خود را توسعه می‌دهد. کاری که بانک مرکزی با دستورالعمل کارگزاران رم‌پول کرده، همین است. یعنی نه‌تنها از حوزه وظایف و مسئولیت‌های خود عدول کرده، اصول مسلم و پذیرفته‌شده حقوق اداری و قوانین موضوعه را نیز به چالش کشیده است. در گزارشی که سال ۱۴۰۱ مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرد، بر رویکرد اشتراکی و چندنهادی در تنظیم‌گری تأکید و اعلام کرد، تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری رم‌رازها در صلاحیت مشترک شورای عالی فضای مجازی، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی است و باید قانون مستقل از سوسی مجلس برای آن تعیین شود. شورای عالی فضای مجازی نیز در مصوبه سال ۱۴۰۰ خود به صراحت اعلام کرد بانک مرکزی صرفأ در محدوده‌ی رم‌پول ملی (CBDC) مسئولیت دارد و رم‌رازهای دیگر مشمول چارچوب‌های سیاستی کلان شورای عالی فضای مجازی هستند. این شورا نیز حوزه رم‌رازهای غیرملی را خارج از صلاحیت بانک مرکزی تشخیص داده است. بنابراین می‌توان گفت، بانک مرکزی با صدور یک دستورالعمل اجرایی بخشی، عملاً نقض تقنینی برای خود قائل شده است. این اقدام با اصل تفکیک قوا و نظارت تقنینی مجلس موضوع مواد ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی مغایر است و برهمین اساس قابلیت ابطال در دیوان عدالت اداری را دارد.

▼ خطای دوگانگی بانک مرکزی

ریشه اصلی بحران‌زا خوانده‌شدن دستورالعمل جدید بانک مرکزی را باید در تعارض منافع نهادهی جست‌وجو کرد. در حوزه حکمرانی مالی، نظریه نمایندگی بسیار شناخته شده است. این نظریه می‌گوید نهادهی که هم‌زمان نقش ناشر پول ملی و پاسدار ارزش آن را برعهده دارد، صلاحیت ندارد که به‌عنوان داور بی‌طرف رقبای بالقوه خود باشد. هم‌اکنون بانک مرکزی در رابطه با کسب‌وکارهای رم‌رازهای خصوصی دارد از همین خطای دوگانگی رنج می‌برد؛ ازیک‌سو، به‌عنوان بازیگر و رقیب مستقیم با پروژه رم‌ریال در عرصه دارایی‌های دیجیتال حضور دارد و ازسوی‌دیگر، به‌عنوان تنظیم‌گر بر همین بازار نیز اعمال قدرت می‌کند. وضعیتی که به سوگیری مقرراتی می‌انجامد و برون‌داد آن طراحی و تدوین قواعد و دستورالعمل‌های سختگیرانه برای مهار نوآوری، محدودکردن فعالیت کسب‌وکارهای خصوصی و درنهایت تحکیم پایه‌های نفوذ خود است. در تجربه جهانی، کشورهای پیشرو مسیری کاملاً متفاوت با ایران را در پیش گرفته‌اند. آنها مسئولیت قانون‌گذاری رم‌رازها را از بانک‌های مرکزی‌شان جدا و به نهادهای تخصصی بازار مالی و اوراق بهادار سپرده‌اند و به‌همین دلیل نیز تفکیک اختیارات، شفافیت نهادهی و پاسخگویی در بالاترین درجه ممکن در این کشورها دیده می‌شود. نکته مهم این است که بانک‌های مرکزی معمولأ از دانش فنی عمیق در حوزه رمزنگاری، بلاک چین و قراردادهای هوشمند بهره‌چندانی ندارند. این مسئله نیز خطر خطای مقرراتی و تدوین قوانین ناهماهنگ با واقعیت‌های فنی و اقتصادی حوزه رم‌رازها را بالاتر می‌برد.

▼ تلاش برای سلب مسئولیت از خود

از زاویه عملیاتی باید گفت، بانک مرکزی با دستورالعمل جدید، الزامات پرهزینه اما غیرضروری بر مقوله نوآوری وضع کرده که آشکارا برگرفته از همان منطق کلاسیک مواجهه با نهادهای سنتی مانند بانک‌ها و صرافی‌هاست. این رویکرد، که بر کنترل و نظارت متمرکز تأکید دارد، در بسیاری از موارد به مداخله مستقیم و گسترده در ساختار مدیریتی کسب‌وکارها منجر می‌شود. برای نمونه الزام به تشکیل شرکت تضامنی، ریسک‌های مطلق را بر دوش کارگزاران می‌اندازد؛ به این صورت که خطاهای فنی، رخدادهای امنیتی یا

آینده اینترنت

فرزندان خیانتکار به پدران

تأملی بر دیدگاه‌های مدیرعامل تلگرام درباره تبادل آزاد اطلاعات

گروه فناوری: چندروز پیش پاول دورف، مدیرعامل تلگرام، در آستانه ۴۱ سالگی اش یادداشتی کوتاه و هشدارآمیز نوشته با این مضمون که پنجره فرصت نسل ما برای نجات اینترنت آزادی که پدران‌مان برای ما ساختند در حال تمام‌شدن است. یادداشتی که باید آن را به‌منزله اعلام خطر تحول ساختاری اما آرام و بی‌صدای آزادی‌های بنیادین بشری خواند. دورف نوشته، آنچه روزگاری قبول و قرار و فلسفه وجودی‌اش تبادل آزاد اطلاعات و عینیت‌بخشی به مفاهیمی مانند دموکراسی دیجیتال بود، حالا به ابزار کنترل و محدودسازی تبدیل شده است. او هشدار داده اگر بی تفاوتی‌مان را کنار نگذاریم، نسل شاهدان فروپاشی اینترنت آزاد خواهیم بود و آیندگان ما را نسلی خواهند خواند که اجازه داده میراث‌نیاکان‌شان به تاریکی دیجیتال ویران‌شهری فرو رود و سرزنش‌مان می‌کنند. مدیرعامل تلگرام می‌گوید، برای دفاع از حقوق بدییی و اولیه‌ای که دهه‌ها برای آن تلاش‌شده، باید در سمت درست تاریخ ایستاد. دورف رواج شناسه‌های دیجیتال در بریتانیا، بررسی سن آنلاین در استرالیا و اسکن گسترده پیام‌های خصوصی در اتحادیه اروپا را مصادیق عینی گسترش و اوج‌گیری کنترل دیجیتال در دنیای می‌داند. اقداماتی که او معتقد است محدود به کشورهای استبدادی و تمامیت‌خواه نیست، که کشورهای پیشرفته‌ای که زمانی نماد آزادی بودند، حالا در حال اعمال محدودیت‌های شدید هستند. او نوشته، آلمان کسانی را که جرأت انتقاد از مقامات دارند تحت پیگرد قرار می‌دهد، بریتانیا هزاران نفر را به‌دلیل توثیث‌هایشان زندانی کرده و فرانسه رهبران فناوری را که از آزادی و حریم خصوصی دفاع می‌کنند، به تحقیقات قضایی کشانده است. دورف روند فعلی و اقدامات کشورها را تصویر واضحی از یک دنیای تاریک و ویران‌شهری توصیف کرده که به‌باور او، به‌سرعت در حال نزدیک‌شدن است درحالی‌که بسیاری از آنچه می‌گذرد، خبر ندارند و در خواب‌اند. دورف در بخشی از نوشته‌اش آورده که به نسل ما دروغ گفته‌اند و به اشتباه باور کرده‌ایم که مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه‌مان مقاومت و مبارزه برای نابودسازی میراث نیاکان‌مان یعنی سنت‌ها، حریم خصوصی، حاکمیت، بازار آزاد و آزادی‌بیان است. از نظر او، چنین اقلهائی باعث شده که نسل فعلی به ارزش‌هایی که پدران‌مان برای حفاظت از آن‌ها مبارزه کرده‌اند، خیانت کنیم؛ خیانتی که اومی‌گوید درنهایت منجر به نابودی اخلاقی، فکری، اقتصادی و حتی زیستی خواهد شد. تحلیل مدیرعامل تلگرام بیش از انتقادی ساده است. گرچه او دیدگاه‌هایش را آمیخته و آغشته به احساس و هیجان بیان کرده، اما همین چند جمله بالا ارزیابی نسبتاً جامعی از سیاست‌ها و رویه‌های دولت‌هاست که به‌شکلی خطرناک بر آزادی دیجیتال و حاکمیت فردی سایه انداخته‌اند. بنیان و مضمون اصلی سخنان دورف، انتقاد به وضع کنونی اینترنت است و می‌توان در سه محور به ارزیابی‌اش نشست. نخست، تضعیف حریم خصوصی و آزادی فردی، دوم، محدودسازی فضای انتقاد و اعتراض و سوم، تمرکز قدرت و داده در دست دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ فناوری. در بُدِد اول به‌نظر نمی‌رسد فناوری‌های نظارتی جدید مانند اسکن و شنود پیام‌های خصوصی، جمع‌آوری ذخیره گسترده داده‌ها و شناسه‌های دیجیتال، امکان‌زدنگی دیجیتال مستقل را عملاً ناممکن می‌کنند. در محور دوم، محدودسازی آزادی‌بیان با پرورده‌سازی، توقیف حساب‌ها و پیگردهای قضایی است که موجب بالا رفتن هزینه انتقاد و اعتراض شده و هم‌زمان پرهیز از ابراز عقیده و خودسانسوری را تقویت می‌کند. محور سوم که آن هم دست‌کمی از دو مورد قبلی ندارد، تسلط شرکت‌های بزرگ فناوری و در سطحی کلان‌تر، دولت‌ها بر جریان اطلاعات است که خطر انحصار داده‌ای را افزایش می‌دهد؛ وضعیتی که کنترل رفتار جمعی و حتی شکل‌دهی به افکار عمومی را برای دولت‌ها آسان‌تر می‌کند. دورف معتقد است، نباید جایگاه اینترنت آزاد و حقوق دیجیتال‌مان را به هر چیز دیگری تنزل دهیم و می‌گوی‌د که یا باید اجازه دهیم آزادی دیجیتال از دست‌مان برود یا باید به‌مبارزه جدی برای حفظ آن برخیزیم. انتخالی که اومی‌گوید سرنوشته‌ساز است. آیا این کار شذنی است؟ بله. از نظر او اولین خط دفاع فنی، رمزنگاری فراگیر و طراحی‌های حریم‌محور است. در گام دوم او می‌گوید، شرکت‌ها و دولت‌ها باید سازوکارهای مستقل خارجی ممیزی و ارزیابی را بپذیرند. سرانجام راه‌حل سوم او، محدود کردن قدرت داده‌ای دولت‌ها و شرکت‌ها با قوانین و مقررات موضوعه مشخص و دارای ضمانت اجراست. او درعین‌حال معتقد است فناوری آزاد تنها محصول مهندسی نیست، که نتیجه آرایش قدرت است و بدون اصلاحات نهادهی و تقویت جامعه‌شدنی، اصلاحات تکنیکی ناکافی خواهند بود. حرف دورف بیشتر یک بیداری‌اش است تا یک نوستالژی. اومی‌گوید اینترنت آزاد نتیجه انتخاب‌هاست، نه سرنوشته محتوم و اگر نسل فعلی پی‌برد که آزادی دیجیتال ارزش است و از آن محافظت کند، تاریخ به‌گونه‌ای دیگر نوشته خواهد شد و آیندگان از ما به‌عنوان آغازگران عصری که فناوری را در خدمت خودمان قرار دادیم یاد خواهند کرد، نه آخرین نسل آزادی.